

فرخنده باد روز هشتم مارس، روز همبستگی رزمجویانه با پیکار زنان سراسر جهان!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس در صفحه ۳



شماره ۶۵۵، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۱۲ اسفند ۱۳۸۱

سیستم بانکی در نظام اقتصاد اسلامی

در رژیم ولایت فقیه، سیستم بانکی، همچون دیگر عرصه های اقتصادی گرفتار ناهنجاری های پیچیده گروهی از نمایندگان مجلس، به واغلب لاینحلی است که، تاوان آن را مردم میهن ما، به ویژه طبقات و قشرهای محروم و زحمتکش می

ادامه در صفحه ۴

ارتجاع منطقه در

هماهنگی

استراتژیک با

امپریالیسم

در صفحه ۸

خروج دفتر تحکیم وحدت از جبهه دوم خرداد

دفتر تحکیم وحدت در پایان نشست اخیر خود در بیانیه یی خروج این دفتر از جبهه دوم خرداد را اعلام کرد. به گزارش خبرنگار امیر کبیر، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی امیر کبیر در این باره گفت: "جبهه دوم خرداد بر اساس جنبش و جریان عظیم اجتماعی در سال ۷۶ برای سازماندهی مطالبات مردمی شکل گرفت. با توجه به نقش مهم جنبش دانشجویی و دفتر تحکیم وحدت در واقعه خرداد ۷۶، دفتر تحکیم وحدت نیز برای تقویت جامعه مدنی عضو جبهه دوم خرداد شد. اما متأسفانه کم کم با سرد شدن از متن اجتماع، جبهه دوم خرداد به محملی برای رسیدن به قدرت تبدیل شد و نقش جنبشی خود را از دست داد و بیشتر نقش نهاد و سازمان پیدا کرد و با توجه به نقش روشنگرانه و نقادانه جنبش دانشجویی حضور در جبهه دوم خرداد نقض غرض محسوب می شود. بنابراین در نشست دفتر تحکیم وحدت مصوب شد که دفتر تحکیم از جبهه دوم خرداد خارج شود و با توجه به آرایش نیروهای اجتماعی و مطالبات و خواسته های کنونی مردم جبهه جدید اصلاحی با عنوان جبهه جمهوری خواهی تشکیل شود. قرار شد در نشست های آتی دفتر

ادامه در صفحه ۲

انتخابات شوراها شکست سنگین مماشات گری و تسلیم طلبی

فریبکاری بر چهره دارند و خود را پشت شعارهای مردمی پنهان کرده اند، برخی از شوراهای مهم شهر را همچون شورای شهر تهران فلج کرد و اجازه نداد تا این شوراها به وظایف خود عمل کنند. بر پایه این واقعیات است که مردم ما با سرخوردگی شاهد برگزاری دومین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا هستند. آمار رسمی وزارت کشور جمهوری اسلامی از کاهش چشم گیر استقبال مردم برای نام نویسی و نامزدی در انتخابات شوراها خبر می دهد و قاعدتاً باید انتظار داشت که حضور مردم در دور دوم انتخابات نیز کاهش یابد.

افزون بر این به دلیل عدم حضور گسترده مردم در انتخابات، جناح ذوب در ولایت توانست با بسیج رای اندکی که در شهرهای کشور در اختیار دارد شمار زیادی از کرسی های شوراهای شهر و روستا را در اختیار خود درآورد. در مجموع این انتخابات شکست سنگین جبهه دوم خرداد و جناح نزدیک به سید محمد خاتمی بود. و اما نکته اساسی این است که این عدم حضور چشم گیر مردم در شهرهای بزرگ کشور را چگونه باید ارزیابی کرد. همان طور که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب نیز اشاره شده است عملکرد منفی، مماشات گرانه و تسلیم طلبانه مدعیان اصلاحات موجب دلسردی وسیع و مهمتر از آن بی اعتمادی مردم به کسانی شد که از دوم خرداد ۱۳۷۶ تا به امروز قول های گوناگونی را به مردم داده اند و تاکنون به دلیل تلاش در راه "حفظ نظام" استبدادی و

ادامه در صفحه ۶

روز جمعه نهم اسفند ماه دومین دوره انتخابات شوراها در سراسر کشور برگزار شد. بر اساس آمار وزارت کشور در مجموع در حدود ۵۰ درصد از واجدین شرایط در این انتخابات شرکت کرده اند که نسبت به انتخابات نخستین دوره شوراها از یک افت ۱۵ درصدی حکایت دارد. نکته اساسی در زمینه شرکت مردم این است که در بسیاری از شهرهای بزرگ از جمله تهران و اصفهان بیش از ۸۰ درصد مردم از شرکت در انتخابات خودداری کردند. کمیته مرکزی حزب توده ایران در اعلامیه یی که در ۲۸ دی ماه، در زمینه انتخابات شوراها منتشر کرد، در زمینه دشواری های انتخابات شوراهای و از جمله عدم استقبال مردم اعلام کرد که: "عملکرد ضعیف و کم حاصل چهار سال گذشته شوراهای از جمله عدم سازماندهی حل معضلات مردم فقدان کمک لازم جهت ایجاد تشکل های مدنی برای حل مشکلات مردم نشان داده است که رژیم ارتجاعی و ضد مردمی ولایت فقیه مصمم است تمام تلاش خود را به کار گیرد تا نهاد های واقعاً مردمی نتوانند نقش فعالی در تعیین سرنوشت تحولات میهن ما ایفا کنند. فشارهای مرتجعان حاکم، در چهار سال گذشته، در کنار عملکرد مماشات گری و تسلیم طلبانه اصلاح طلبان حکومتی اجازه نداد که شوراهای شهر و روستا آنچنان که مردم انتظار داشتند نقش فعال و تأثیر گذاری در تعیین سیاست های محلی بر عهده داشته باشند. افزون بر این، عملکرد وابستگان مستقیم و غیر مستقیم تاریک اندیشان حاکم و کسانی که نقاب

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

درگیری های جناحی در اتاق بازرگانی

هفته گذشته سواى انتخابات شوراهای محلی، مساله تغییر و تحولات احتمالی برای تصدی مقام های کلیدی در اتاق بازرگانی و صنایع و معادن نیز مورد توجه محافل سیاسی حکومتی بود. قبل از این "انتخابات"، که در روز چهارشنبه هفته گذشته صورت گرفت، جبهه بندی های آشکار در داخل مطبوعات مجاز تلاش جناحین حکومتی برای تصدی این اتاق را به خوبی نشان می داد. روزنامه تازه تاسیس "یاس نو"، ۵ اسفند با این توضیح که، "سالهاست نه خبری از اتاق بازرگانی به بیرون درز می کند و نه تغییر محسوسی در روند فعالیت های آن مشاهده می شود"، در تشریح عملکردهای این اتاق می نویسد: "اتاق به جز صدور کارت بازرگانی که به عنوان يك اجبار برای بازرگانان و فعالان اقتصادی بخش خصوصی مطرح بوده است، ارتباط دیگری حتی با اعضای خود نداشته است."

این گزارش در قسمتی دیگر می نویسد: "اتاق بازرگانی ایران بیش از دو دهه است که خود را از پاسخگویی به تمام نهادها، تشکل ها، رسانه ها و جامعه بی نیاز می بیند. اتفاقی که قرار بوده تا برای تمام بخش خصوصی باشد به اتفاقی برای برخی افراد يك حزب سنتی درآمده است که از سالیان دور ریشه در حجره های قدیمی بازار دارند." این گزارش در ادامه ضمن اعلام اسامی مصدر نشینان اتاق بازرگانی که عمدتاً از اعضای هیئت متولفه می باشند، سخنان خاموشی رئیس ثابت و دائمی این اتاق را آورده که می گوید: "هرگز نخواهیم گذاشت نامحرم ها وارد اتاق ایران شوند. تمام این سالها را برای حفظ هویت بخش خصوصی ایران زحمت کشیده ام و حالا چند روزنامه نگار به نقد گذشته ام پرداخته اند و تعدادی تازه به دوران رسیده قصد نشستن بر صندلی هدایت سازمانی را دارند که برای حفظ آن موهام را سفید کرده ام." برای اینکه مشخص شود نقش مخرب این نهاد که در انحصار افراد مشخصی است، بر ضد منافع ملی و فشار بر توده ها چه اندازه می باشد، این گزارش آورده است: "با نگاهی گذرا به فهرست اسامی اعضای اتاق بازرگانی به نام های مشابه بسیاری بر می خورید که از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را وارد می کنند و وابستگی های فامیلی و حزبی نزدیکی با اعضای هیات رئیسه برخوردارند."

به این ترتیب مشخص می شود که نهاد انحصاری، قدرت بلامنازع در عرصه اقتصاد میهن می باشد که وظایف چند را به نفع افرادی خاص پی گیری می کند. اول آنکه از این طریق سودهای نجومی و غیر قابل تصویری را از این طریق نصیب خویش می سازد. دوم همانطور که تجربه عملی هم نشان داده است، تضعیف بنیه اقتصادی میهن را به دلیل اینکه این تفکر در صدد کسب حداکثر سود می باشد را به کشور تحمیل می کند. سوم آنکه در هم تنیدگی قدرت مالی و سیاسی این افراد، باعث می گردد از این قدرت مالی بر ضد گشایش های مردمی استفاده گردد. فریبرز رئیس دانا، اقتصاد دان در این باره می گوید: "اتاق بازرگانی دفتر و محل اصلی قدرت و سودگری است. این افراد بر واردات و صادرات و منافع مالی کشور تسلط دارند و این منافع را به نفع خودشان و فعالیت های سوداگرانه هدایت می کنند. اتاق بازرگانی وابسته و نزدیک به جناح و جریانی است که با وجود اقلیت در تمام عرصه ها، به دلیل داشتن قدرت اقتصادی مداخله هایی از جمله در سیاست خارجی می کنند." صرف نظر از مسایل مذکور که آشکار بودن آن نزد توده ها غیر قابل تردید است، موضوع دیگر خود انتخابات اخیر در این اتاق می باشد. بنا بر خبرهای گزارش شده، در جریان انتخابات اخیر مصدر نشینان کنونی از انتخاب شدن مجدد محروم گردیده اند و تعداد زیادی از آنها علیرغم تمامی ترفندها نتوانسته اند آرای لازم را به دست بیاورند. "یاس نو"، ۱۰ اسفند، در خبری نوشت: "شمارش آرای نامزدان پنجمین دوره هیات نمایندگان اتاق بازرگانی به پایان رسید و در این دوره از انتخابات گروه های اصلاح طلب توانستند حدود ۷۰ درصد آرا را به خود اختصاص دهند. پایگاه اینترنتی رویداد قبلا گزارش داده بود که، "نتایج انتخابات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن در حالی که قرار است روز پنجشنبه اعلام شود که همه جناح ها از احتمال تخلف در شمارش آرا نگران هستند."

همین پایگاه اینترنتی در تشریح نیروهای شرکت کننده در این انتخابات، نوشت: "جناح سنتی به رهبری علینقی خاموشی که طی سال های پس از انقلاب همواره هیات رئیسه اتاق را در اختیار داشته اند. جناح ائتلاف ملی برای نوسازی که چهره های نزدیک به جبهه مشارکت و کارگزاران سازندگی در آن عضویت دارند و گروه خواستاران تحول که جمعی دیگر از نیروهای طرفدار اصلاحات اقتصادی را در بر می گیرد. ترکیب جناح بندی های موجود در جریان انتخابات اخیر از آن رو جالب است که بدانیم اصولاً تغییر و تحولات احتمالی در اتاق بازرگانی، چه حاصلی را نصیب منافع ملی و مردم خواهد کرد. محمد رضا خاتمی می گوید: "اگر اتاق بازرگانی واقعا برآمده و تشکیل شده از بخش خصوصی کشور باشد، يك گام بسیار مهم در راستای اصلاح وضعیت اقتصادی کشور برداشته شده است. در حال حاضر درصد قابل توجهی از کسانی که مسئولان اتاق را تعیین می کنند از عناصر وابسته به نظام حکومتی هستند و این خود يك ایراد بزرگ است. البته دلیلش آن است که اقتصاد ما يك اقتصاد دولتی است و باید به تدریج به سمتی رفت که اتاق بازرگانی مستقل شود." (یاس نو، ۷ اسفند) علی هاشمی از نزدیکان رفسنجانی در همانجا می گوید: "با توجه به تصویب قانون سرمایه گذاری خارجی، آمادگی دولت برای انجام سرمایه گذاری خارجی و قراردادهای بیع متقابل و فاینانس، اتاق بازرگانی

ادامه خروج دفتر تحکیم ...

تحکیم وحدت به این موضوع به صورت مشروح پرداخته شود. تصمیم اخیر دفتر تحکیم وحدت را باید از دو منظر مورد بررسی قرار داد. اول آنکه اتخاذ چنین سیاستی ناشی از عملکردهای مماشات طلبانه اصلاح طلبان حکومتی است. جریانی که با تحمیل سیاست هایی همچون "آرامش فعال" ضربات جدی را به دانشجویان وارد آورد و در ادامه با نگاه از بالا خواستار تحولاتی در چارچوب "حفظ نظام" گردید. اما رویکرد جدید جنبش دانشجویی از آن نظر مثبت ارزیابی می شود که نگاه منطقی آن معطوف به نیروهای اجتماعی داخل جامعه است. اما این مهم با تشکیل جبهه ها با اسامی صرف نمی تواند اهداف مورد نظر خویش را تحقق ببخشد. جنبش دانشجویی همچون دیگر جنبش ها نیازمند تنوع و تکثر گرای است که دربرگیرنده تفکرات ترقی خواهانه باشد و ارتباط منطقی و ضروری با دیگر طبقات اجتماعی برقرار سازد. این مهم در گذشته به هر دلیلی که انجام نگرفته باشد، ضرورت آن در حال و آینده انکار ناپذیر است. هر گونه چشم پوشی از این امر حیاتی تلاش های در پیش رورا با بن بست و عدم کارایی مواجه می سازد.

در کوی دانشگاه چه بر سر فرشته علیزاده آمده است؟

موسوی خوئینی گفت: "این دانشجوی سبزواری که مسئول برد انجمن دانشگاه الزهرا نیز بوده است در پی حوادث کوی دانشگاه ربوده شده و ناپدید می شود. مادر این دانشجو ۶ ماه پس از این ماجرا در اثر فشار و رابطه عاطفی عمیق با فرزند خود در اثر عارضه قلبی فوت می کند. برادر این دانشجو که معلم می باشد تمام تلاش خود را می کند ولی اثری از خواهر خود در هیچکدام از بازداشتگاه ها و زندانها نمی یابد. خانواده فرشته علیزاده در حال حاضر در تلاش برای برقراری ارتباط با بازرسان سازمان ملل هستند. و با گذشت چندین سال از حادثه کوی دانشگاه هنوز خبری از او نیافته اند و هیچ کدام از نهادها حاضر به پاسخگویی به آنها نشده اند" (به نقل از خبرنامه امیر کبیر).

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت هشتم مارس، روز جهانی زنان پیروز باد رزم دلیرانه زنان میهن در راه رهایی از بندهای ارتجاع و استثمار

زنان دلاور و آگاه!

جمعیت فعال جامعه ما نمی توان به تحقق خواست های جنبش رهایی بخش خلق های میهن ما امیدوار بود. امروز پس از گذشت بیش از بیست و چهار سال از پیروزی انقلاب بهمن که زنان میهن ما نقش برجسته بی در آن داشتند، واقعیت تلخ و فاجعه بار جامعه ما این است که زنان از محروم ترین و زیر ستم ترین قشرهای جامعه ما هستند که در زیر فشارهای کمر شکن و ضدانسانی قوانین اجتماعی و اقتصادی رژیم زندگی می کنند. امروز در جامعه ما کم نیستند خانواده هایی که زنان نان بیاور اصلی آند و ناچارند دست تنها و با وجود همه دشواری ها و تبعضات رایج زندگی خانواده خود را تأمین کنند. فقر و محرومیت و ناهنجاری های اجتماعی زاییده این شرایط فاجعه بار از جمله دست آوردهای رژیم ضد مردمی برای زنان میهن ماست.

جنبش مستقل زنان میهن ما در سال های اخیر دست آوردهای ارزنده بی به همراه داشته است. ایجاد شمار زیادی از گروه های صنفی و اجتماعی، تلاش تحسین برانگیز در زمینه بالا بردن آگاهی اجتماعی خصوصاً در میان زنان زحمتکش در کنار کار گسترده فرهنگی و اجتماعی بی شک نقش موثری در زمینه سازمان دهی جنبش مستقل زنان میهن ما خواهد داشت و باید تلاش ها در این زمینه را دو چندان کرد.

زنان به شکل گسترده بی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ شرکت کردند و اغراق نیست اگر بگوییم که نقش قاطع و تعیین کننده بی در پیروزی خاتمی و جبهه طرفداران او بر عهده داشتند. زنان میهن ما با امید قول های تحقق جامعه مدنی و احترام به حقوق انسانی و اجتماعی زنان پا به این عرصه گذاشتند و تا به امروز همچنان چشم انتظار تحقق قول های داده شده هستند. عملکرد منفی و در مجموع حمایت از دیدگاه های تاریک اندیشانه و زن ستیزانه رژیم ولایت فقیه زیر لوای دفاع از "ارزش های اسلامی" امروز دیگر جای خوشبینی را در زمینه تحقق حقوق زنان در چارچوب رژیم ولایت فقیه و نیروهای "معتقد به نظام" باقی نمی گذارد. جنبش مستقل زنان در همبستگی و هم پیوندی با دیگر نیروهای رزمنده اجتماعی همچون کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و جوانان در کنار هم و در صورت سازمان یافتگی می توانند راه گشای تحولات به سمت تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی باشد. کمیته مرکزی حزب توده ایران بار دیگر ضمن تجدید عهد با آرمان های والای جنبش جهانی زنان برای رهایی از ستم طبقاتی و برای دست یابی به برابری همه توده ای و دیگر نیروهای مترقی و آزادی خواه را فرامی خواند تا دست در دست هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای دست یابی به آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه تلاش های خود را تشدید کنند.

فرخنده باد روز هشتم مارس، روز همبستگی رزمجویانه با پیکار زنان

سراسر جهان!

درد آتشین به زندانیان سیاسی زن و همه زندانیان سیاسی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

کمیته مرکزی حزب توده ایران فرارسیدن روز هشتم مارس، روز همبستگی جهانی با مبارزات همه زنان در راه رهایی از بندهای ستم طبقاتی و جنسی را به شما تبریک می گوید و اطمینان دارد که پیکار دشوار و پر فراز و نشیب زنان جهان در راه دست یابی به برابری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی همچنان که تجربیات غنی سده گذشته نشان داده است به سرانجام میمون و پیروزمند خود خواهد رسید. امسال نود و سه سال از پیدایش هشتم مارس می گذرد. نود و سه سال پیش، در سال ۱۹۱۰، به پیشنهاد کلارا تستکین، مبارز برجسته جنبش زنان، در کنفرانس بین المللی سوسیالیست ها، که در کپنهاگ برگزار می شد، جنبش جهانی کارگری تصمیم گرفت تا این روز را به عنوان روز همبستگی با مبارزه زنان جهان پایه ریزی کند. جنبش زنان در نود و سه سال گذشته دست آوردهای چشم گیر و درخشانی به همراه داشته است. بالا بردن سطح آگاهی و به دست آوردن حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در بسیاری از کشورهای جهان در کنار نقش قاطع و موثر زنان در جنبش های جهانی برای ارتقاء حقوق زحمتکشان، دست یابی به صلح و حفظ محیط زیست از جمله دست آوردهای ارزشمندی است که جنبش جهانی زنان به آن می بالند. نقش قاطع و موثر زنان در جنبش جهانی که این روزها بر ضد سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم در جهان در ابعادی کم نظیر شکل گرفته است بهترین نمونه نقش قاطع و مستقل جنبش زنان در حرکت های اجتماعی ترقی خواهانه در سراسر جهان است.

زنان در میهن ما بررغم همه دشواری ها و لطماتی که از جانب رژیم قرون وسطایی متوجه آنان بوده است با دلیری و پایداری به پیکار خود در راه رهایی از بندهای ارتجاع ادامه می دهند. کمتر حکومتی را در جهان امروز می توان یافت که این چنین سیاست های زن ستیزانه بی را به جامعه تحمیل کرده باشد و این چنین افسار گسیخته و خشن خواست های میلیون ها زن را سرکوب و لگد مال کند.

سرکوب خشن حقوق زنان در دو دهه گذشته همواره با مقاومت دلیرانه و قهرمانانه زنان میهن ما روبه رو بوده است. پیکار حماسی زندانیان سیاسی زن در زندان های قرون وسطایی و در مقابله با شکنجه های ضد انسانی درخیمان رژیم از صفحات درخشان جنبش رهایی بخش مردم میهن ما در پیکار بر ضد استبداد حاکم است.

بررغم همه این فشارها و موج سرکوب اجتماعی و سیاسی متکی به سیاست های غیر انسانی حجاب تحمیلی و محروم کردن زنان از بسیاری از حقوق اولیه شان، زنان میهن ما نشان داده اند که می توانند با قاطعیت و جسارت نقش برجسته بی در تحولات اجتماعی و سیاسی کشور ایفا نمایند. نقش زنان به عنوان یک نیروی اجتماعی رزمنده در شکل دادن جنبش مردمی و روند اصلاحات در جامعه ما و شرکت فعال زنان در سنگر های گوناگون مبارزه، از صندوق های انتخاباتی های گوناگون تا شرکت در صفوف مقدم اعتراض های توده ای در کنار دانشجویان و کارگران و زحمتکشان مویده این نظر است که بدون شرکت فعال و سازمان یافته زنان، یعنی بیش از نیمی از

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

ادامه سیستم بانکی در نظام اقتصاد اسلامی . . .

مصوبات مجلس را در خصوص اعطای وام و تمدید بازپرداخت وام ها به دهقانان و کشاورزان مناطقی که، در سالیان اخیر دچار خشکسالی شده اند، را اجرا نکرده و آنرا تماماً به دست فراموشی سپرده اند، بار دیگر مساله چگونگی عملکرد و نقش سیستم بانکی در رژیم ولایت فقیه را در صدر اخبار و مطالب رسانه های همگانی قرار داد.

بیست نهمین جلسه شورای اسلامی در اواخر بهمن ماه امسال طرح استیضاح مظاهری وزیر اقتصاد دولت خاتمی را تقدیم هیات رئیسه مجلس کردند. مطابق طرحی که، در شهریورماه سال ۸۱ خورشیدی در مجلس به نام طرح اصلاح و پیشگیری از عوارض خشکسالی و جبران خسارات به کشاورزان به تصویب رسیده بود، دولت موظف بود از طریق سیستم بانکی وام های سال های ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹ کشاورزانی را که به علت فقر توانایی بازپرداخت وام ها را ندارند، تجدید کند. به علاوه در این مصوبه مقرر شده، بانک مرکزی جمهوری اسلامی برای حفظ توان بانک کشاورزی و بانک های دیگر، اعتباری را معادل مبالغ تمدید شده در اختیار آنها بگذارد و بانک ها نیز، زمان بازپرداخت و اقساط وام ها را به سال های ۱۳۸۲، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ خورشیدی موکول کنند.

اینک پس از گذشت نزدیک به شش ماه، سیستم بانکی، نه تنها مصوبه مجلس را به اجرا نگذاشته، بلکه برای دهقانان فقیر و گرسنه به دلیل نپرداختن قسط وام ها، احضاریه صادر کرده است! این امر موجب گردیده، میلیون ها دهقان که براث خشکسالی و عدم توجه رژیم به اهمیت تولیدات کشاورزی در اقتصاد ملی، زیان دیده و به فقر و فلاکت افتاده اند، تحت فشار مضاعف و غیرانسانی قرار بگیرند و از هستی ساقط شوند.

سیستم بانکی جمهوری اسلامی در حالی دهقانان محروم را تحت فشار گذاشته و از آنها ادعای طلب بازپرداخت وام ها را دارد که، وام های کلان و اعتبارات و تسهیلات بانکی گوناگون را با سهل ترین شرایط در اختیار بخش خصوصی و تجار و زمینداران بزرگ قرار می دهد.

در سال ۱۳۸۱، بخش بزرگی از وام بانک های سراسر کشور در راستای برنامه سوم توسعه و برنامه اصلاح ساختار اقتصادی به شرکتهای خصوصی و تجار بزرگ بازار اختصاص یافته و جالب اینجاست که بیشترین فعالیت آنها در زمینه واسطه گری و دلالتی بوده است. میلیاردها تومان از طریق بانک ها و با تصویب و تایید هیات وزیران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی، خارج از چرخه تولید در امور دلالتی در گردش قرار گرفته و می گیرد سیستم بانکی به عنوان کارگزار این بخش غیرمولد به حساب نابودی بنیه تولیدی کشور و تیره روزی توده های زحمتکش شامل کارگران و زحمتکشان، دهقانان و قشرهای میانه حال، انجام وظیفه می کند. به بیان روشن تر، در رژیم ولایت فقیه، پس از آنها، انواع سپرده های اندوخته شده در بانک ها و صندوق های قرض الحسنه در اختیار دلالتان، بخش خصوصی غیرمولد و تجار و بزرگ مالکان است و در نتیجه سیستم بانکی نمونه گویا و بی مثال "اقتصاد اسلامی" قلمداد می گردد. این سیستم وظیفه اش عبارت است از صرف سرمایه پولی و پس اندازهای مختلف در جهت رشد و گسترش سرمایه تجاری و سرمایه داری دیوان سالار نوین که هر دو با رشد و پیشرفت اقتصادی-اجتماعی و شکوفایی اقتصاد ملی مخالف، بیگانه و دشمن هستند.

علاوه بر این، عملکرد این سیستم به گونه ای است که رباخواری و نزول خواری را در جامعه تشدید می کند. تقریباً همزمان با افشای این واقعیت که، سیستم بانکی میلیون ها دهقان فقیر و بی چیز و گرسنه را تحت فشار قراردادده و سبب از هم پاشیدن زندگی آنها شده، خبرگزاری ایسنا در یک گزارش اعلام کرد که، ۴۰ رباخوار فقط در شهرستان کرج بازداشت شده اند. این بازداشت

ها البته به معنای مقابله با پدیده زشت رباخواری نیست. اینکه چرا رباخواری که سررشته آن را باید در بازار جستجو کرد، چنین رشد کرده و فراگیر شده است می توان از سخنان مدیر عامل شرکت تولید دنا آلومینیوم ایران دریافت! وی در این خصوص باتاکید خاطر نشان ساخته: "در سیستم بانکی متقاضیان وام (در بخش صنعتی و تولیدی) با موانع و مشکلات زیادی روبرو هستند. . . آنها باید مجوز تولید و مفاصه حساب مالیاتی شان را به بانک ارائه کنند و حتی پس از ارائه کلیه مدارک، این بانک است که باید ببیند آیا اعتبار لازم را برای پرداخت در موجودی خود دارد یا نه؟"

و این در حالی است که بازاریان و باندهای مافیایی در امور دلالتی به همراه شرکتهای خصوصی که بسیاری از آنها توسط هزارفامیل وابسته به روحانیت و بازار و آقازاده ها اداره می شوند به سادگی و بدون برخورد با موانع اداری و بوروکراتیک، وام های هنگفت با بهره های نازل دریافت می دارند و حتی برخی در زمان قانونی نیز مبادرت به بازپرداخت وام نمی کنند و از جانب بانک ها هم مورد فشار قرار نمی گیرند. درکنار سیستم بانکی به اصطلاح رسمی رژیم ولایت فقیه، صندوق های قرض الحسنه قرار دادند که خوددراشته بازار جمهوری اسلامی بخشی از سیستم بانکی به شمار می آیند! این صندوق ها با تغذیه از اعتبارات دولتی و اختصاص مبالغ هنگفتی از بودجه کل کشور به خود، به فعالیت فوق العاده مخرب و زیان بار در حیات اقتصادی کشور مشغول اند. کلیه صندوق های قرض الحسنه فعال در پوشش سازمان اقتصاداسلامی قراردادند. این سازمان در سال ۱۳۵۸ خورشیدی یعنی یک سال پس از پیروزی انقلاب و به دنبال مخالفت بازاریان با اصل ملی شدن بانک ها بوجود آمد و بنیادگذاران آن گروهی از تجار بانفوذ بازار و عده ای از روحانیون حکومتی بودند. سازمان اقتصاد اسلامی درست در چنگ سرمایه داری تجاری ایران است و صندوق های قرض الحسنه اهرم های آن به حساب می آیند. فعالیت بانک داری صندوق های قرض الحسنه سبب می شود تا این صندوق ها توانایی افزایش حجم پول در اقتصاد ملی را بدون کنترل دولت و بانک مرکزی پیدا کنند و از این راه اهرم های نیرومند اقتصادی-سیاسی را به دست گرفته و به نیروی غالب بدل شوند. جناح ذوب در ولایت ریشه در این جریان مافیایی دارد و برای حفظ این منافع سرشار و موقعیت ممتاز تا سرحد مرگ مقاومت کرده و در برابر خواست های جنبش مردمی پس از دوم خرداد ۷۶ ایستادگی به خرج داده است.

هم اکنون در ایران شش هزار صندوق قرض الحسنه دایر و فعال است و تماماً به وسیله بازاریان شهرهای بزرگ به ویژه تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و کرمان تحت کنترل و هدایت قرار دارد.

قدرت مالی و نفوذ این صندوق های قرض الحسنه که تحت پوشش سازمان اقتصاداسلامی هستند، آنچنان است که، وزارت اطلاعات نیز قادر به مهار آنها نیست. یونسی وزیر اطلاعات قبلاً در این مورد اشاره کرده بود: "در چند سال گذشته افرادی در لوای نام صندوق قرض الحسنه قارچ کونه و بدون رعایت ضوابط قانونی رشد و پول های مردم را به شیوه مزورانه دریافت کرده اند. . .". در حال حاضر در رأس سازمان اقتصاد اسلامی، عسگر اولادی، خاموشی، میرمحمد صادقی، گلپایگانی، یزدی (رئیس پیشین قوه قضاییه)، مرتضی نبوی و عناصری از این دست حضور دارند.

همین سازمان، یعنی سازمان اقتصاداسلامی، در برابر مصوبه اخیر دولت مبنی بر نظارت بانک مرکزی بر صندوق های قرض الحسنه دست به مقاومت و ایستادگی زده است. در اواخر بهمن ماه ۱۳۸۱ خورشیدی، ۴۰۰ تن از مدیران صندوق های قرض الحسنه در اعتراض به مصوبه دولت در محل ساختمان مرکزی سازمان اقتصاداسلامی تجمع کردند. علاءالدین میرمحمد

ادامه سیستم بانکی در نظام . . .

صادقی رئیس این سازمان با صراحت و زیبایی تهدیدآمیز اعلام داشت: "اگر بخ راه ۱۰۰۸ - ۱۱ - ۱۱ - صندوق های قرض الحسنه را تحت نظارت قرار دهند ماعتراض می کنیم و از راهکارهای مختلف برای این کار استفاده خواهیم کرد. . . قرض الحسنه سنت الهی است که برخی افراد می خواهند این سنت الهی را از بین ببرند."

خاموشی که از زمره موسسین سازمان مذکور است نیز یادآور شد: "ما به زودی اعتراض خود را از طریق تریبون های نماز جمعه به گوش مردم و مسئولان می رسانیم با آیت الله هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت و فقه های شورای نگهبان هم تبادل نظر و گفتگو کرده ایم. . . ما راه های زیادی برای بیان اعتراض مان داریم. . ."

نکته مهم اینجاست که برخلاف تبلیغات واپس گرایان تاریک اندیش و سوءاستفاده آنها از ویژگی های مذهبی لایه هایی از جامعه صندوق های قرض الحسنه نهادهای غیرانتفاعی هستند، در حالیکه فعالیت آنها انتفاعی است، برخی از این نهادهای واپس مانده به افتتاح حساب جاری و استفاده از دسته چک، حساب مدت دار و پرداخت سود مبادرت کرده اند. به این ترتیب سیستم بانکی در نظام اقتصاد اسلامی را می توان جمع عملکرد بانک ها، مانده های رباخوار و صندوق های قرض الحسنه نامید که عملاً در جهت منافع سرمایه داری تجاری و سرمایه داری دیوان سالار نوین حرکت کمی کند و سبب سیر صعودی هزینه های زندگی توده های وسیع مردم و نابودی تولید ملی می شود.

عملکرد سیستم بانکی جمهوری اسلامی جدا از سمت گیری اقتصادی-اجتماعی آن نیست و نمی تواند باشد. در هر نظام اقتصادی-اجتماعی سیستم بانکی دارای خصلت طبقاتی است. سیستم بانکی و بطور کلی سیاستهای اقتصادی و مالی هر حکومتی در مسیر حفظ منافع آن گروه های اجتماعی-سیاسی قرار می گیرد که اهرمهای قدرت را در دست دارند. بدون تغییرات ژرف در سمت گیری کنونی اقتصادی-اجتماعی که پیروی از فرامین صندوق بین المللی پول است، نمی توان سیستم بانکی را به مجرای صحیح سوق داد. سیستم بانکی رژیم ولایت فقیه نشانگر آنست که کدام طبقات و گروه های اجتماعی در هم حاکمیت دست بالا را دارند و چگونه به بهای فقر و محرومیت توده های زحمتکش و قشرهای میانه حال جامعه و نابودی تولیدی کشور، هر روز فربه تر و فربه تر می گردند.

ادامه بحران در ناتو و تلاش آمریکا . . .

ناتو، سایر کشورهای مخالف را تحت فشار قرار دهد. ایالات متحده اعلام کرده است که با طرح پیشنهادی به سازمان ملل، چه موافقت شود و چه نشود، حمله خود را آغاز خواهد کرد. این موضع گیری تنها در برابر سازمان ملل نیست و این روند را به خوبی می توان در ناتو نیز به خوبی مشاهده کرد. شیوه جدیدی که نه برای همکاری و پیدا کردن نظر مشترک بلکه در راه دیکته کردن نظرات و تحمیل آن به سایر کشورهاست. این سیاستی است که ایالات متحده به ویژه پس از فروپاشی سیستم سوسیالیستی در اتحاد شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی در پیش گرفته است. اگر در پایان جنگ جهانی دوم ناتو به بهانه مقابله با کشورهای سوسیالیستی ایجاد شد، امروز آمریکا، رهبر ناتو، هدف دیگری را در سر می پروراند و آن آقایی و تسط بر جهان و منابع معدنی غنی آن هاست. امروز وظیفه ناتو تقویت هژمونی آمریکا بر جهان است. اما در حال حاضر به رغم اینکه کشورهای عضو ناتو و ایالات متحده بر سر بسیاری از مسایل جهانی با هم تفاهم دارند، آنچنان شرایطی بوجود آمده است که این کشورها مواضع متفاوتی را در قبال عراق اتخاذ کرده اند.

از سویی منافع ایالات متحده و انگلستان ایجاب می کند تا هرچه سریع تر جنگ با عراق را آغاز کنند، از سوی دیگر آلمان و فرانسه دارای منافع فراوانی در خاور میانه هستند که آغاز جنگ با عراق این منافع را به خطر خواهد انداخت و این کشورها حاضر نیستند این موقعیت را به خطر بیندازند.

ایالات متحده برای تدارک ماشین جنگی خود نیاز دارد تا به خاک عراق نزدیک شود و ترکیه به دلیل شرایط جغرافیایی و ترکیب حاکمیت آن بهترین شرایط را دارد و اینکه به رغم مخالفت های وسیع و عمومی مردم این کشور در مورد شرکت ترکیه در جنگ علیه عراق، دولت این کشور علاوه بر اینکه می خواهد حسن نیت "خود را به ایالات متحده نشان دهد، می خواهد مزایایی را نیز از آمریکا و ناتو به دست آورد. این کشور اعلام کرده است که در صورت وقوع جنگ، پایگاه ها و امکانات خود را در اختیار ارتش ایالات متحده قرار خواهد داد. ایالات متحده برای ترغیب هرچه بیشتر ترکیه، وعده های فراوانی را به این کشور داده است که سایر کشورهای عضو ناتو با آن مخالفت کرده اند، به ویژه در مورد مساله ورود به اتحادیه اروپا. دولت آمریکا به بهانه "حمایت از دولت ترکیه در برابر حمله احتمالی عراق به این کشور، درخواست پشتیبانی ناتو از ترکیه را کرده است. آنچه که اجازه خواهد داد تا نیروهای آمریکایی حضوری همه جانبه در ترکیه داشته باشند و حتی در صورت عدم تصویب قطعنامه دوم، طرح های نظامی خود علیه عراق را به مرحله اجرا در آورد. مساله اختلافات جدی در ناتو، اختلاف بر سر گرفتن قدرت در منطقه خاور میانه و نفوذ بیشتر در آن است. ایالات متحده به دلیل شرایط بحرانی اقتصادی و سیاسی خود نیازی حیاتی به این جنگ دارد و نمی تواند از آن صرف نظر کند. از سوی دیگر، آلمان و فرانسه به دلیل منافع فراوان خود در منطقه معتقد به نفوذ سیاسی و ایجاد ارتباطات اقتصادی هستند. و نمی خواهند و یا به عبارتی توان آن را ندارند که، در شرایطی که با اقتصادی بحرانی دست به گریبان هستند، از این منابع تجاری و اقتصادی چشم پوشی کنند و اینکه موقعیت سیاسی خود را نیز به خطر بیندازند.

واقعیت این است که جهان امروزین صحنه رقابت شدید و همه جانبه نیروهای مختلفی است که منافع اقتصادی-سیاسی متفاوتی را دنبال می کنند. در این میان ایالات متحده که ضمن بهره مندی از توان عظیم نظامی از توان اقتصادی بالایی نیز برخوردار است، موقعیت ممتازی دارد. روسیه که هنوز به عنوان قدرت نظامی عمده ای در جهان مطرح است، برای خود منافع منطقه یی ویژه یی قایل است. چین به عنوان پر جمعیت ترین کشور جهان که از نیروی نظامی و اقتصادی عظیمی برخوردار است، جای خود را در میان قدرت های بزرگ جهانی باز می کند. اتحادیه اروپا نیز با در اختیار داشتن اقتصادی قدرت مند، تدارک تشکیل ارتش اروپایی و ساختار های مالی و سیاسی واحد و برخوردار از موقعیت ویژه جغرافیایی، سعی دارد به قدرتی بزرگ که سهمی به سزا از منابع جهان داشته باشد، تبدیل شود. این واقعیتی تلخ برای ایالات متحده است که یا باید آن را بپذیرد و یا به مقابله با آن پردازد. بحران کنونی در ناتو نیز منعکس کننده منافع متقابل و رقابتی این محورهای واقعی در جهان است. اما به رغم این ها ایالات متحده برای دست یابی به هژمونی مطلق بر جهان در تلاش است، هژمونی که در شرایط فعلی می تواند با دامن زدن به ماجراجویی های جدید جهان را وارد دوران جدیدی از بحران ها و درگیری های طولانی کند.

ادامه انتخابات شوراها شکست سنگین . . .

عدم تمایل برای عبور از مرزهای از پیش تعیین شده ارتجاع در زمینه "خودی و غیر خودی" توانسته اند گام اساسی بی در زمینه تأمین آرمان های مردم برای دست یابی به حقوق و آزادی های پایمال شده و عدالت اجتماعی بردارند.

به گزارش خبرگزاری ایسنا، سید محمد خاتمی، رئیس جمهوری، در سخنانی، در "همایش چالش ها و چشم اندازهای توسعه سیاسی ایران" در ارزیابی نتایج انتخابات شوراها از جمله گفت: "آنچه که در این موقعیت اتفاق افتاده، یک زنگ خطر است. اگر محور، مردم هستند، اگر در جنگ مردم باید حضور یابند و به هنگام تحریم اقتصادی، مردم باید سختی ها را تحمل کنند، اگر این مملکت باید به وسیله فرزندان مردم ساخته شود و اگر مردم همه کاره هستند، بنابراین باید در عرصه حضور داشته باشند. . . دلسردی وقتی پیدا می شود که مردم احساس کنند که خواست آنها با خواست حاکمانی که آنها را به قدرت رسانده اند یکسان نیست و اثر این دلسردی، رویگردانی از مجموعه نظام و حاکمیت است. . . البته در اینجا این تذکر لازم است که اکثریت قاطع مردم ما مدتهاست از رژیم حاکم بر میهن ما روی گردانده است و رای قاطع مردم در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، بر ضد نماینده اصلاح رژیم و ولی فقیه رژیم و همچنین شکست سنگین وابستگان به این جناح در انتخابات مجلس شورای اسلامی همگی بیانگر این واقعیت است.

تاج زاده، عضو رهبری جبهه مشارکت در ارزیابی انتخابات شوراها افزود: "پیام مردم صرفاً متوجه مسوولان نیست بلکه متوجه کل نیروهای سیاسی درون حکومت و بیرون آن است. چرا که حتی نیروهای اپوزیسیونی که در حکومت جای نداشتند، فعالانه در این انتخابات شرکت کردند اما این مساله نه سبب افزایش مشارکت جدی مردم شد و نه نامزدهایشان با اقبال وسیعی مواجه شدند. بنابراین کل احزاب سیاسی کشور که به قانون اساسی و حکمیت صندوق رای معتقدند و خواهان اصلاحات و دموکراسی (که مقوم همه آنها مشارکت مردم است) هستند، با این سوال مواجه شدند که چرا جامعه ما با چنین عدم مشارکت گسترده بی مواجه شد. " به گفته تاج زاده "میزان آرای رقیب چه در دوم خرداد ۷۶ و چه در این انتخابات قابل پیش بینی بود. تنها حضور و نحوه مشارکت و آرای مردم به سایر نامزدها قابل پیش بینی نبود. در آن زمان (دوم خرداد) آرای خاتمی شگفتی آفرید ولی این زمان آرای رقیب، شگفتی کسی را موجب نشد. تاج زاده متذکر شد: "در صورت بی توجهی به عدم مشارکت مردم؛ به سمت عبور از نظام، عبور از اصلاحات و عبور از اپوزیسیون قانونی پیش خواهیم رفت و صندوق رای، مشروعیت بخشی اش را در عمل از دست می دهد.

همچنین بر اساس گزارش ایسنا، "دیرکل ائتلاف بزرگ متخصصان" با اشاره به عدم حضور ۸۰ درصد مردم تهران گفت: "این نشانگر سلب امیدشان به تحقق مطالباتشان است و این برای دموکراسی نوپای ایران بسیار خطرناک و خطرناک است و از سوی دیگر تهدیدات خارجی را جدی تر می سازد. لذا کسی نمی تواند خود را پیروز میدان بداند. محمد مراد بیات همچنین گفت: جناح منصوب به راست کمابیش توانسته پایگاه و لو اندک خود را حفظ کند و گروه های دوم خرداد با اینکه فرصت های طلایی در اختیارشان بود، به دلیل عدم درک این فرصت تاریخی، اعتماد ملت را بر باد دادند. امید است این اقدام آگاهانه مردم باعث بازنگری در رفتارهای پوپولیستی و مستانه آنان شود. " به گفته بیات: "مردم به دنبال راه سومی می گردند. . ."

واقعیت این است که عدم شرکت وسیع مردم در انتخابات شهرهای بزرگ را باید شکست سنگین مماشات گری و تسلیم طلبی کسانی دانست که با رای قاطع مردم برخی از اهرم های قدرت سیاسی را در دست گرفتند ولی حاضر نشدند با اتکا به مردم و توان توده های محروم جان به لب رسیده در راه بهبود وضعیت فاجعه بار جامعه ما گام اساسی بردارند. درس انتخابات برای آقای خاتمی و نزدیکان او باید درک این واقعیت باشد که اکنون مدتهاست دوران نصیحت و موعظه به پایان رسیده است و مردم خواستار حرکت قاطع در زمینه دست یابی به خواست هایشان اند. تجربه انتخابات دومین دوره شوراها نشان داد که مردم ما دیگر اعتقادی به توانمندی "اصلاح طلبان حکومتی" در زمینه تحقق قول هایشان ندارند. این درک بر اساس تجربیات عینی بی است که مردم در سال های اخیر دریافته اند. حزب ما در سال های اخیر با تکیه بر ضرورت سازمان دهی جنبش توده ای و نیروهای اجتماعی متعقد بوده است که سرنوشت جنبش و مبارزه در

راه ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در میهن ما ارتباط گسست ناپذیری با تلاش واحد همه نیروهای سیاسی معتقد به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی دارد و باید همه تلاش ها را متوجه این امر کرد. به گمان ما با توجه به اعتراض گسترده و قاطع مردم بر ضد "اصلاح طلبان حکومتی" هنگام آن فرا رسیده است که این نیروها با ارزیابی واقع بینانه شرایط تصمیم بگیرند که در مبارزه حساس و سرنوشت ساز کنونی در میهن ما در کدام جبهه قرار دارند در جبهه "حفظ نظام" استبدادی و ضد مردمی و یا در جبهه استقرار حاکمیت متکی بر آرای مردم و عدالت اجتماعی. مردم در قضاوت خود با هیچ نیرو و شخصیت اجتماعی تعارفی ندارند و با قاطعیت از نیروهایی دفاع خواهند کرد که پای بند به آرمان های جنبش در راه تحقق آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی گام بر می دارند. نکته آخر اینکه اگر چه ممکن است که نتیجه انتخابات دوره دوم شوراها شهر و روستا در کوتاه مدت به نفع نیروهای ارتجاع تمام شود ولی در عمل کمک موثری به جبهه بندی جدید نیروهای طالب آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی و مخالف رژیم و ولایت فقیه خواهد کرد.

ادامه درگیری های جناحی در اتاق . . .

باید از حالت سنتی خارج شده و شکل مدرن تری به خود بگیرد. " محمد رضا بهزادیان دبیر ائتلاف ملی برای نوسازی اتاق بازرگانی، در این باره نیز می گوید: "اتاق، محل بروز تشکل های صنفی و اجتماعی در بخش های مختلف اقتصادی کشور است، اما متاسفانه اتاق بازرگانی طی این ۲۰ سال در انحصار تعداد معدودی از افراد بوده که آن را به صورت حجره ای و تیمچه ای اداره کرده اند. اتاق اگر می توانست بدنه محکمی را برای بخش خصوصی ایجاد کند، نیازی به شکل گیری تشکل های مختلف صنعتی و تجاری که هم اینک خارج از اتاق فعالند، نبود. " (یاس نو، ۴ اسفند)

حتی همین اظهارات، حقایق جالبی را پیش روی ما افشا می کند. منتقدین اتاق بازرگانی از یک طرف به نقش مخرب و ضد مردمی این نهاد که عمدتاً در دست بازاریان طرفدار هیئت مولفه است اشاره می کنند اما از طرف دیگر از ذکر سیاست های اعمال شده توسط این اتاق طفره می روند. از یک طرف می گویند اتاق مذکور در اختیار افراد و جناح بخصوصی است و اعتراف می کنند که به واسطه چنین انحصار بلند مدت با تحت اختیار قرار داشتن نبض اقتصاد کشور، ثروت نجومی بدست آورده اند و از سوی دیگر برای اینکه مبادا در آینده در صورت تصدی مقام هایی در اتاق بازرگانی با چالشی مواجه گردند، معضلات کنونی را متوجه دولتی بودن این نهاد دانسته اند. اگر این نهاد دولتی است پس چگونه است که تسلط و منافع میلیاردری آن هم با اتخاذ سیاست هایی کاملاً مخالف سیاست های دولت بنا به اعترافات مذکور نصیب گروهی خاص می شود؟ اگر هم این نهاد دولتی نیست، پس اصرار بر اینکه این اتاق باید به سمت و سوی حرکت کند که امکانات بیشتری را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد را از چه منظری باید مورد تحلیل قرار داد. انتخابات اخیر اتاق بازرگانی با توجه به سمت گیری ها و نیروهای شرکت کننده در آن به سود هر جناحی که تمام شود نصیبی جز فقر و بدبختی و فلاکت و بیکاری برای توده های مردم بیار نخواهد آورد.

اتاق بازرگانی نیازمند تغییرات بنیادین در عرصه های سیاست گذاری به نفع منافع ملی و توده ها می باشد نه جابجایی مهره های جناحین حکومتی که از سیاست های ضد مردمی و ضد ملی مشابه پیروی می کنند.

بحران در ناتو، تلاش آمریکا برای کسب برتری مطلق

با پایان گرفتن تحقیقات بازرسان شورای امنیت سازمان ملل متحد از عراق و اعلام عدم کشف سلاح های کشتار جمعی در این کشور، ایالات متحده و انگلستان با ارایه "مدارک" جدیدی که از سوی بسیاری از محافل جهان فاقد اعتبار قلمداد شد، تلاش دارند تا جنگ علیه عراق را هرچه زودتر آغاز کنند. برخلاف جنگ افغانستان و یوگسلاوی که ایالات متحده از پشتیبانی متحدین خود در ناتو برخوردار بود، این بار با مخالفت جدی برخی از کشورهای عضو ناتو و سایر اعضا دایمی و غیر دایمی شورای امنیت سازمان ملل متحد روبه رو شده است. دولت بوش به رغم تبلیغات فراوان، فشارهای سیاسی و دیدارهای دیپلماتیک، نتوانسته است که موافقت سازمان ملل متحد و یا حتی سایر کشورهای ناتو را برای حمله به عراق جلب کند. در ۱۴ فوریه هانس بلیکس گزارش تهیه شده توسط بازرسان سازمان ملل متحد را ارایه کرد و تاکید نمود که هیچ نوعی از سلاح کشتار جمعی را، به غیر از چندین موشک قدیمی واز کار افتاده که در گذشته قابلیت حمل سلاح های شیمیایی را داشته اند ولیکن برای مدت های طولانی در انبار بوده اند، پیدا نکرده اند. الرادعی فراتر از این رفته و اعلام کرد که هیچ گونه سلاح هسته ای و یا فعالیت هسته ای را نیافته اند. ایالات متحده این اسناد را کافی ندانسته و اعلام کرد که بازرسان شورای امنیت سازمان ملل متحد "قریب دولت صدام را خورده اند و تلاش کرد تا با ارایه مدارک جعلی، شورای امنیت سازمان ملل را وادار به تصویب قطعنامه جنگ علیه عراق کند. اما از ۱۵ کشور عضو این شورا فقط انگلستان و اسپانیا از آن پشتیبانی کامل کردند و بلغارستان نیز با پشتیبانی ضمنی آن را تایید کرد. ایالات متحده پس از شکست در رای گیری سازمان ملل، تلاش کرد تا ناتو را وادار به پشتیبانی از سیاست های ماجراجویانه خود کند. اما فرانسه، آلمان و بلژیک، به عنوان کشورهای عضو ناتو، به مخالفت با این طرح پرداختند. ایالات متحده در مقابله با این مخالفت، تلاش دارد تا سایر کشورهای عضو ناتو را با خود همراه کند. دولت پرتغال اعلام کرده است که آمادگی دارد تا پایگاه های نظامی خود در آزورس آترخی بلاگو "را در اختیار ارتش آمریکا قرار دهد. دولت برلسکونی در ایتالیا نیز اعلام کرد که از ایالات متحده پشتیبانی می کند و پنتاگون می تواند از حریم هوایی، افراد نظامی و سلاح های ایتالیایی در جنگ استفاده کند. دولت های نروژ، دانمارک و هلند نیز اعلام کرده اند که از جنگ علیه عراق به رهبری ایالات متحده پشتیبانی می کنند. علاوه بر این کشورها، ایالات متحده در تلاش است تا پشتیبانی کشورهای اروپای شرقی را که قدم در عرصه سرمایه داری گذاشته اند، به دست آورد. کشورهای که با فرو پاشی سیستم سوسیالیستی، در راه قدرت بخشیدن به سرکردگی هرچه بیشتر دشمن و رقیب سابق خود قدم بر می دارند. کشورهای که یکی پس از دیگری به صفوف ناتو می پیوندند و در اولین قدم مجبورند بودجه های نظامی خود را افزایش دهند.

"جرج رابرتسون"، دبیرکل سازمان ناتو، سال گذشته دستور داد تا کشورهای عضو ناتو، ۲ درصد دیگر از در آمد ناخالص ملی خود را به هزینه های نظامی اختصاص دهند، درآمدهایی که به سرعت در حال کاهش هستند و این کشورها با کمبود منابع مالی روبه رو می باشند.

ایالات متحده در تلاش است تا با توسل به اعضای جدید عضو

ادامه ارتجاع منطقه در هماهنگی استراتژیک با . . .

است در مقابل افکار عمومی اصرار بورزند که پایگاه های نظامی مستقر بر خاک آن ها نمی تواند در عملیات تهاجمی بر ضد عراق بدون صدور قطعنامه جدیدی از طرف شورای امنیت، مورد استفاده قرار بگیرد. ولیکن به باور یک مقام عالی رتبه رسمی در خلیج فارس "چنین بیانه هایی دروغین هستند."

تحلیلگران امور نظامی - دفاعی اصرار دارند که حضور انگلیس و آمریکا در کشورهای خلیج فارس فقط محدود به دفاع خارجی آن ها نبوده، بلکه بخش عمده ای از آن شامل تامین سیستم های پیشرفته در رابطه با امور مربوط به امنیت داخلی شیخ نشین ها و همکاری پر دامنه بین سازمان های امنیتی - اطلاعاتی این کشورها با سازمان های مشابه در غرب می باشد. به باور یک مقام رسمی در خلیج فارس، "نتیجه چنین روابطی اینست که در چنین بحرانی، کشورهای خلیج (فارس) هیچ انتخابی ندارند، بلکه می باید به هر آنچه که انگلیس و آمریکا می خواهند، تن در دهند." هر ساله ما میلیارد ها دلار صرف امور دفاعی می کنیم و هر ساله ما بیشتر به آمریکا و غرب وابسته می شویم. "موسسه بین المللی مطالعات استراتژیک" که در لندن مستقر است، معتقد است که کشورهای خلیج فارس از سال ۱۹۹۵ تا کنون بیش از ۲۵۰ میلیارد دلار صرف امور دفاعی و امنیت داخلی کرده اند. این رقم بالغ بر ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی سالانه این کشورها می باشد.

مقاله تایمز مالی با ارائه یک بررسی تاریخی در رابطه با قراردادهای نظامی بین آمریکا و انگلیس و کشورهای خلیج فارس که به سال های اولیه پس از پایان جنگ دوم جهانی بر می گردد، فاش می کند که بحرین اکنون مقرر فرماندهی ناوگان پنجم آمریکا است و موقعیت آن در استراتژی منطقه ای ایالات متحده آنقدر مهم شده است که در سال ۲۰۰۲ برزیدنت جورج بوش به آن مقام "متحد عمده بیرون از ناتو" را داد. مقاله همچنین خاطر نشان می سازد که از سال ۱۹۸۰ به بعد آمریکا موافقتنامه های ۱۰ ساله قابل تجدید در رابطه با دسترسی و ایجاد پایگاه های نظامی در عمان را داشته است. واشنگتن اخیراً کمک دفاعی خود به عمان را که نیروهای انگلیسی و آمریکایی در آن حضور گسترده دارند، به میزان ۲۵ میلیون دلار افزایش داد. به باور تایمز مالی قطر در حال حاضر بزرگترین پایگاه نگاهداری و استقرار تجهیزات نظامی آمریکا در جهان می باشد. و امارات متحده عربی که حکام آن در ظاهر شدیداً با حضور نیروهای انگلیسی و آمریکایی در خاک خود مخالف هستند، در حقیقت فراهم آورنده تسهیلات گسترده نظامی مورد استفاده این دو کشور می باشد. علاوه بر تسهیلات بندری و هوایی در پنج منطقه مختلف امارات متحده عربی، میدان های هوایی مین حد، در امیر نشین دویی، و راس الخیمه طبق موافقتنامه هایی مورد استفاده آمریکا و انگلیس می باشند. به گفته یک مقام رسمی در خلیج فارس، بر رغم بیانه های تبلیغاتی رهبران امارات متحده، هم اکنون بیش از ۱۶۰۰ نفر نظامی آمریکایی در این کشور مستقر هستند. در رابطه با انگلستان یک دیپلمات غربی اظهار می دارد که قرارداد ۱۹۹۶ این کشور با امارات متحده "معرف بزرگترین تعهد امپریالیسم کهنه کار انگلیس در دفاع از یک کشور در خارج از چارچوب پیمان ناتو است."

حقیقت اینست که حکام ارتجاعی و سرسپرده شیخ نشین های خلیج فارس برای حفظ حاکمیت های خود در مقابل مردم و زحمتکشان این کشورها و به بهای حراج منابع نفتی سرشار خود و امضاء قرارداد های اسارت آورتسلیحاتی و امنیتی با امپریالیسم، امکان هرگونه موضع گیری مستقلی را از دست داده اند. به دلیل خرید وسیع سیستم های تسلیحاتی پیشرفته آمریکایی - انگلیسی از سوی کشورهای خلیج فارس، آن ها چه بخواهند، چه نخواهند ناگزیر از قبول حضور گسترده مشاوران و تکنیسین های نظامی آمریکایی - انگلیسی می باشند. متخصصان امور نظامی در منطقه به طور مثال خاطر نشان می کنند که ابو ظبی برای استفاده از ۸۰ هواپیمای اف-۱۶ لاکهید نه فقط نیاز به گسترش پایگاه هوایی ال-جفرا به کمک مستشاران و پیمانکاران آمریکایی داشته است، بلکه "این قرارداد ۶ میلیارد دلاری ابوظبی را برای آینده ای طولانی نیازمند به مشاوران نظامی آمریکایی نگه خواهد داشت."

حزب توده ایران بر این باور است که هرگونه هماهنگی با سیاست تجاوزگرانه امپریالیسم در رابطه با عراق در آینده تبعات جدی و خطرناکی در رابطه با استقلال میهن خواهد داشت.

ارتجاع منطقه در هماهنگی استراتژیک با امپریالیسم

هیچگونه اظهارنظر مخالفی از سوی آمریکا و انگلستان صورت بگیرد، اتفاقی نمی باشد. این راز آشکاری است که "شورای عالی انقلاب اسلامی در عراق" از همان آغاز حیات آن تحت امر رژیم "ولایت فقیه" بوده، اهداف آن در تطابق با آماج استراتژیک رژیم در منطقه تنظیم شده و فرماندهی، تعلیم کادر و عمده تجهیزات "لشکر بدر" از طریق سپاه پاسداران رژیم تامین می شود.

پایگاه های تجاوز

روزنامه تایمز مالی در روز ۲۹ بهمن ماه (۱۸ فوریه)، یعنی سه روز پس از تظاهرات با شکوه میلیون ها نفر در ۶۰ کشور جهان در مخالفت با طرح های تجاوزگرانه محافل حاکمه آمریکا و انگلیس، برای نمایش تنها نبودن جورج بوش و تونی بلر، به موضوع کشورهای عربی در قبال جنگ برضد عراق پرداخت. مقاله تحلیلی تایمز مالی با اشاره به موضع مزورانه سران کشورهای عربی مجاور خلیج فارس در ابراز نگرانی از عملیات نظامی در منطقه و برضد عراق فاش می کند که دولت های این کشورها در حقیقت بدلیل موافقتنامه های استراتژیکی که با آمریکا و انگلستان امضاء کرده اند، عملاً در تدارک عملیات فاجعه بار کنونی و آتی مستقیماً شریک هستند.

تایمز مالی با اشاره به "تعهداتی که حکومت های سلطنتی منطقه خلیج (فارس) در قبال سلسله ای از توافق های دراز مدت نظامی با واشنگتن و لندن تقبل کرده اند"، این حقیقت را خاطر نشان می کند که "دامنه امکانات نظامی که از طرف کشورهای خلیج (فارس) در اختیار آمریکا و انگلیس قرار می گیرد را نمی توان از معدودی بیانیه های کم رنگ رسمی در رابطه با "دسترسی" و یا "همکاری" تخمین زد. "واقعیت اینست که ایالات متحده و انگلستان هر دو دارای پایگاه های نظامی و حق پرواز بر فراز حریم هوایی در هفت کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس می باشند. به علاوه آمریکا حق انبار کردن دائمی تجهیزات نظامی برای نیروهای خود در پنج کشور خلیج (فارس) است و مستشاران نظامی نیروهای زمینی، هوایی و دریایی آمریکایی و انگلیسی زیر پوشش "تعلیم نیروهای نظامی" عملاً رهبری ارتش های کشورهای خلیج را در دست داشته اند. تایمز مالی به تاکتیک ماهرانه حکام مرتجع طرفدار آمریکا در خلیج فارس در انتخاب حساب شده و دقیق کلمات و یا حتی "سکوت رسمی" در رابطه با این توافق های همه جانبه که هدف آن مخفی نگهداشتن عرصه های نظامی و امنیتی و در حقیقت عمق اتکاء درازمدت شیخ نشین های خلیج فارس به آمریکا و انگلستان می باشد، اشاره می کند. این روزنامه می گوید: عربستان سعودی و امارات متحده عربی ممکن

در ماه های اخیر و همزمان با تدارک وسیع و عملی حمله نظامی به عراق توسط ایالات متحده و انگلستان، رسانه های خبری در یک تاکتیک کاملاً حساب شده، که مطمئناً در عالی ترین سطوح طراحی و هماهنگ شده است، به نحو سئوال برانگیزی سعی دارند به منظور منفعل کردن مخالفت توده ای به دو توهم ظاهراً متضاد و در واقع مکمل هم دامن بزنند. توهم اول اینکه گویا دولت های عربی و اسلامی (واز جمله جمهوری اسلامی) در واقع با یک جنگ جدید در منطقه خلیج فارس مخالف هستند و توهم مکمل آن اینکه برغم آن این کشورها هیچ چاره یی به غیر از قبول طرح های آمریکا و متحد آن انگلستان ندارند. این در حقیقت عجیب می نماید که در حالی که بیش از ۲۰۰/۰۰۰ نظامی آمریکایی و انگلیسی با تمامی جنگ افزارها و سیستم عظیم تدارکاتی خود در منطقه و در مجاورت خاک عراق مستقر شده اند، سران کشورهای منطقه سعی دارند خود را از دست داشتن در این ماجراجویی نظامی در منطقه منزه جلوه دهند. این حقیقتی است که بدون فراهم بودن امکانات همه جانبه و ضروری که تصمیم گیری در رابطه با آن فقط در عالی ترین سطوح حکومتی می تواند انجام شود، تدارک جنگ برضد عراق توسط آمریکا و متحدینش در چنین سطحی ممکن نمی بود. حکام ارتجاعی شیخ نشین ها که از ابعاد وسیع مخالفت افکار عمومی کشورهای خود وحشت دارند سعی می کنند در حالیکه مفاد اصلی قرارداد های استراتژیک خود با آمریکا و انگلیس را اجرا می کنند، با اتخاذ موضعگیری های دوپهلوی و برخی مانور های تبلیغاتی و از جمله اظهار نگرانی از تبعات منطقه یی جنگ، از سویی خود را منزه جلوه داده و از سوی دیگر شاید به برخی امتیازات تازه دست یابند. موافقت رسمی دولت ترکیه به ورود واحد های نظامی ارتش آمریکا به این کشور به منظور تدارک حمله به عراق از مرز های شمال کردستان را باید از زمره چنین فعل و انفعالات دانست. دولت جدید ترکیه، که استخوان بندی اصلی آن نیروهای اسلامی اند، پس از دوره یی موضعگیری های تبلیغاتی در رابطه با مخالفت با استقرار واحد های نظامی آمریکا، در نهایت با دریافت خون بهایی بالغ بر ۶ میلیارد دلار کمک بلاعوض و قول بیش از ۲۰ میلیارد وام و اعتبار و همچنین تضمین "منافع" این کشور در کردستان عراق و منابع نفتی شمال عراق در موصل و کرکوک به خواست آمریکا گردن نهاد. استقرار نیروها و تجهیزات نظامی آمریکایی در ترکیه از روز ۸ اسفندماه (۲۷ فوریه) آغاز شد.

یادآوری این مساله ازین جهت اهمیت دارد که برخی اخبار رسانه های جهان در ماه های اخیر از کوشش های پشت پرده و دامنه داری از جانب سران رژیم ولایت فقیه تحت بهانه حفظ "منافع مشروع" جمهوری اسلامی ایران در منطقه برای هماهنگی با اقدام ماجراجویانه جورج بوش و تونی بلر گزارش داده اند. مذاکرات همه جانبه نخست وزیر انگلیس، تونی بلر، که به قول نلسون ماندلا نقش وزیر خارجه آمریکا را بازی می کند، با کمال خرازی، وزیر خارجه رژیم، در ملاقات اخیر خود در لندن کلاً در رابطه با چگونگی نقش ایران در پروسه "تغییر رژیم" در عراق بود. مطبوعات انگلستان بر این باورند که تونی بلر و جک استراو، وزیر خارجه او، دولت جمهوری اسلامی ایران را در کنار ترکیه، اردن، کویت، بحرین، قطر و عمان از جمله کشورهای قلمداد می کند که با حمله نظامی به عراق توافق دارند و در رابط با آن نقش های مشخصی قبول کرده اند. اینکه درست چند روز پس از این ملاقات نیروهای تحت کنترل "شورای عالی انقلاب اسلامی در عراق"، تحت نام "لشکر بدر"، از ایران وارد شمال عراق شد، بدون اینکه

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

کمک به خانواده شهدا و زندانیان سیاسی از دامنارک ۵۰۰ کرون
به یاد شیرزن توده ای رفیق سیمین از دامنارک ۵۰۰ کرون
به یاد علی امید و صفرخان از دامنارک ۵۰۰ کرون

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 655
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

4 March 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک